

طراحی معماری در محوطه میراث روستایی

بررسی موردی: طراحی‌های انجام شده در روستای تاریخی میمند*

مهناز اشرفی

استادیار پژوهشکده ابنیه و بافت‌های فرهنگی تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران

E-mail: ashrafi.mahnaz@gmail.com

چکیده

چالش میان قدیم و جدید همواره مطرح بوده است. از یک طرف ضوابط و مقررات حفاظتی و از طرفی بی‌توجهی و ناهماهنگی طرح‌های جدید به زمینه میراثی، موضوع مجادلات جدی بوده است. در این میان طراحی جدید در میراث روستایی به دلیل ویژگی‌های خاص و در عین حال روابط پیچیده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی، علی‌رغم ظاهر ساده آن، کاری دشوار است. هدف از این مقاله بررسی اصول و معیارهای کلیدی در طراحی بناها و عناصر معماری جدید در بافت‌های میراث روستایی است. روش تحقیق این پژوهش از نوع کیفی است. در این میان بررسی و تحلیل محتوای اسناد بین‌المللی کمک خواهد کرد تا دستاوردهایی در جهت نیل به این معیارها حاصل گردد. این تحقیق ضمن جمع‌آوری داده‌ها از طریق مشاهده مستقیم و تحلیل جزئیات کالبدی، سازگاری معیارهای مستخرج از مبانی نظری را در روستای تاریخی میمند بررسی می‌نماید. همچنین با روش زمینه‌یابی و انجام مصاحبه با ساکنین در مورد انطباق‌پذیری طراحی‌های انجام شده و تدقیق معیارها تأکید دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که فراتر از معیارهای کالبدی، این معیارهای پایه هستند که نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت طراحی در میراث روستایی دارند.

کلیدواژه‌ها: طراحی معماری، میراث روستایی، معیارهای پایه، معیارهای کالبدی، میمند

مقدمه

یکی از بحث‌های جدی در بافت‌های تاریخی زنده چالش بین حفاظت و توسعه است. وجود ارزش‌های ملموس و ناملموس در بافت، نیاز به تدوین و اجرای ضوابط و قوانین حفاظتی را ضروری می‌سازد. البته زمان در حال تغییر است و در هر صورت نیازهای ساکنین دستخوش این تغییرات خواهد بود. به همین دلیل نقش معماری معاصر و نوع طراحی به شیوه‌ای که بتواند با حفظ ویژگی‌های خاص محل و کیفیت محیط‌زیست تاریخی و انتقال آن به نسل‌های آینده این تغییرات را تسهیل نماید، اهمیت می‌یابد. انتخاب سبک و نوع معماری بناهای جدید در این بافت با اختلاف نظرهای متفاوت و گاه متناقض روبرو است. «در طول یک دهه گذشته، بحث جدی در مورد مناسب بودن معماری معاصر در مناطق تاریخی آغاز شده است. این بحث حفاظت‌گران را به عنوان عوامل ضد توسعه و ضد پیشرفت که مانع خلاقیت نسل جدید معماران معاصر هستند در برابر برنامه‌ریزان و توسعه‌دهندگان قرار می‌دهد» (Macdonald, 2011).

برخی از معماران از مواد و فناوری‌های نوین برای طراحی ساختمان‌های مشابه و یا بازسازی بناهای تاریخی استفاده کرده‌اند و برخی معتقدند که طراحی هر دوره می‌بایست بیانگر زمان خود و متفاوت از بنای تاریخی باشد. لایه‌های جدید باید ایده‌ها، فناوری، مواد و زبان معماری نسل خود را نمایان کنند و تقلید مناسب نیست. وظیفه طراحان این است که اطمینان حاصل کنند کارشان به جای کمرنگ کردن محیط ساخته شده، به غنی‌سازی آنجا کمک می‌نماید. «درج ارزش‌های میراث در طراحی شهری می‌تواند یک پل ارتباطی بین برنامه‌ریزی مکانی، طراحی و سازگاری با تغییرات آب و هوایی باشد» (Babalys, 2016, 16).

سازگاری مؤثر بناهای میراثی، هنگامی که با طراحی مدرن همراه می‌شود، می‌تواند فضایی پر جنب و جوش و دیدنی را ایجاد کند که امروزه مردم می‌خواهند در آن زندگی، کار یا بازی کنند (NSW government, 2019, 33). اصول حفاظت نه به عنوان محدودیت که به عنوان ظرفیت و پتانسیل، می‌تواند منجر به افزایش سطح خلاقیت در طراحی شود. البته باید اذعان داشت که به هر حال طراحی در میان آثار میراثی نسبت به سایر موارد، به لحاظ حساسیت موجود در این آثار، متفاوت و پیچیده‌تر است. این مباحث در ایران کمتر موضوع تحقیق بوده است. از همین روی، بررسی اصول و مبانی نظری مربوط به طراحی در بافت‌های تاریخی بر مبنای اسناد و تجارب ملی و بین‌المللی می‌تواند به روشن‌تر شدن فرایند طراحی و ویژگی‌های آن در حوزه میراث فرهنگی و نیز طراحی معماری کمک نماید.

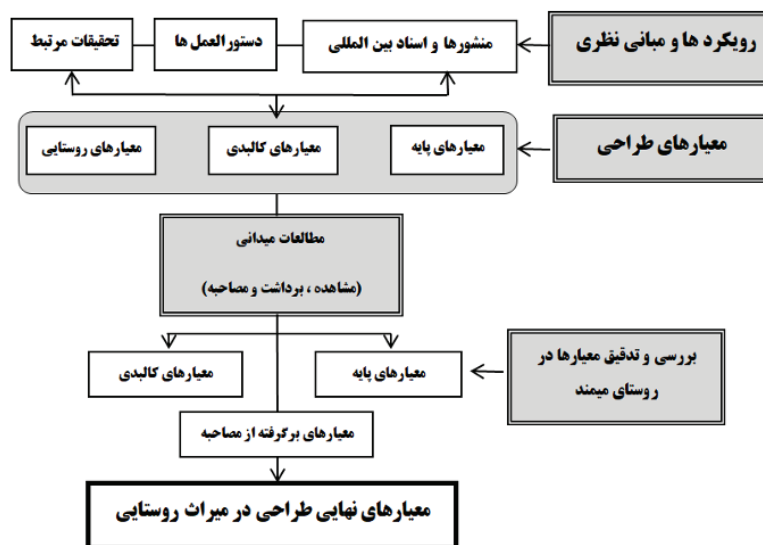
بافت‌های روستایی که در حال حاضر در معرض شدید آسیب‌ها و تهدیدها قرار گرفته‌اند، بیش از پیش نیازمند برخورد اصولی و سنجیده در برنامه‌ریزی‌های توسعه هستند.

واقعیت آن است که پژوهش‌های انجام شده در دو دهه اخیر نتوانسته‌اند به معیارها و اصولی در زمینه طراحی در بافت روستایی منجر شود (سرتیپی‌پور، ۱۳۸۴، ۴۵). خلأ مبانی نظری متناسب با ماهیت پیچیده و درهم تنیده و در عین حال غیر تشریفاتی و بسیط میراث روستایی باعث شده بسیاری از مداخلات این حوزه، توفیق زیادی در احیا و تداوم روستا نداشته باشند (صادق‌احمدی، ابویی و ندیمی، ۱۳۹۶، ۵۰). ترویج الگوهای جدید و بیگانه با زیست‌بوم، نادیده گرفتن بستر طرح و عدم تناسب آن با زندگی روستایی و حاکمیت استانداردهای شهری و تعمیم آن به تمام نقاط کشور از مهم‌ترین معضلاتی است که هم‌اکنون به‌وضوح در این حوزه مشاهده می‌شود. برون رفت از این وضعیت مستلزم اطلاع و آگاهی از حکمت زندگی روستایی است و در این مسیر آگاهی از ویژگی‌های مکانی و تأکید بر بوم‌گرایی می‌تواند به تولد مجدد و شکل‌گیری معماری برخاسته از متن و آشتی با ارزش‌های محلی کمک نماید (سرتیپی‌پور، ۱۳۹۱، ۱۴۳). به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت موجود بین مناطق مختلف کشور و به‌ویژه در مجموعه‌های میراثی، ارائه راه‌حل یکسان که رویکرد غالب برنامه‌ها است، پاسخگو نیست. هدف این تحقیق بررسی اصول و معیارهای طراحی در میراث روستایی و پاسخگویی به

این سوال است که آیا می‌توان دسته‌بندی و یا تفاوت معناداری برای این معیارها قائل شد؟ این تحقیق با بررسی و تحلیل محتوای اسناد در جهت نیل به این معیارها تلاش می‌نماید. میراث جهانی روستای میمند به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شد و از طریق مشاهده مستقیم و تحلیل جزئیات کالبدی، ضمن بررسی طراحی‌های انجام شده و جمع‌آوری داده‌ها، سازگاری و انطباق‌پذیری معیارهای مستخرج از مبانی نظری در روستا بررسی و تدقیق شد. سپس با روش زمینه‌یابی و انجام مصاحبه با ساکنین بر پایه طراحی‌های انجام شده در روستا، معیارهای مورد نظر ساکنین جمع‌آوری شده و نهایتاً به جمع‌بندی معیارهای نهایی پرداخته شد.

روش تحقیق و الگوی نظری پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و رویکرد آن توصیفی-تحلیلی است. به منظور بررسی، تحلیل محتوا و تعیین و دسته‌بندی معیارها از منابع و اسناد کتابخانه‌ای به‌ویژه اسناد ملی و بین‌المللی معتبر استفاده شده و معیارها در سه بخش اصول پایه، کالبدی-فضایی و ویژه بافت‌روستایی دسته‌بندی شدند. در برداشت‌های میدانی در گام اول، این معیارها با روش مشاهده مستقیم و برداشت جزئیات کالبدی و ویژگی‌های مختلف (نقشه‌های موقعیت طرح‌ها و جزئیات معماری) و در یک بازه نسبتاً طولانی (خرداد تا آذر ۱۳۹۷) و با استفاده از تحلیل آماری داده‌ها، توصیف و مورد تحلیل قرار گرفته و در جدول ۲ و ۳ تلخیص و تدوین شده‌اند. در مرحله بعد، تحقیق در بخشی از فرایند خود از روش زمینه‌یابی استفاده کرده است. تحقیق زمینه‌یابی یکی از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها است که از افراد خواسته می‌شود تا به سؤال‌های خاص پاسخ دهند. در این نوع از پژوهش، هدف محقق این است که پرسش‌شوندگان دیدگاه‌ها، عقاید، نگرش‌ها و باورهای خود را نسبت به یک پدیده در وضع موجود بیان کنند. از میان کل جامعه آماری (ساکنین دائمی روستا) که تعداد آنها، همانگونه که در بخش شناخت اشاره شد بسیار محدود است، تعداد ۲۲ نمونه برای انجام مصاحبه و بررسی معیارها انتخاب شده است. نمونه‌ها عمدتاً به روش تصادفی ساده از بین افرادی انتخاب شده که بیش از ۳۰ سال سکونت مستمر در روستا داشته‌اند. علت انتخاب این افراد حافظه تاریخی مناسب و حضور دائم در روستا و آگاهی از تحولات صورت گرفته در طول تاریخ است. حاصل مصاحبه‌ها به جدول ۴ منتهی شد. در نهایت با مصاحبه‌های انجام شده در روستا، برداشت‌ها و مطالعات انجام شده به تدقیق جدول‌ها در جدول نهایی معیارها پرداخته شد.



نمودار ۱. الگوی نظری پژوهش

چارچوب نظری

رویکردهای طراحی‌های جدید در بافت تاریخی

موضوع طراحی و چالش‌های پیش روی آن تنها مختص بافت‌های تاریخی نیست و در طراحی بافت‌های جدید نیز مشکلاتی وجود دارد. در یک نگاه کلی، رویکردها و نظریه‌های مختلفی در ارتباط با بحران هویت در معماری و طراحی‌های امروز مطرح شده است. یکی از این نظریه‌ها نگره تکاملی تاریخی است. «ویژگی برجسته این نگاه، توجه همزمان به دو جنبه شناختی و طراحی است... در شناخت نیز به تحلیل تاریخی می‌پردازد و می‌کوشد الگو/ها (بن‌مایه/ها) و به واقع معماری درخور هر جا و مردمانش را در طول زمان دریابد و گرد تاریخ از آن‌ها برگیرد. دریافت معماری درخور هر جا، نسبتی با آنچه با نام حس مکان به یاد می‌آید در خود دارد» (سالم، حسن‌پور و دژدار، ۱۳۹۸، ۳۶). روشن است اگر طراحی بر مبنای شناخت درست انجام نشده باشد ذهنیت طراح از ذهنیت ساکن روستا فاصله گرفته و طرحی موفق محقق نخواهد شد (زرگر و حاتمی‌خانقاهی، ۱۳۹۳، ۵۱؛ اکرمی و دامیار، ۱۳۹۵، ۱۰۰). در واقع دریافت حس مکان توسط طراح، مقدمه و شرط لازم طراحی است که موجب می‌شود زبان الگوی محیط به‌درستی درک و تداوم یابد. این موضوع در همه طراحی‌ها اعم از سایت‌های میراثی و جدید صادق است. در بافت‌های تاریخی با توجه به وظایف حفاظتی رعایت آن بی‌تردید است. رویکرد زمینه‌گرا نیز دستیابی به این زبان الگو را مد نظر قرار داده است. «زمینه‌گرایی توجه به ارزش‌های تاریخی بافت و ارزش‌های روز بافت را موجب می‌شود و بر لزوم شناخت و استخراج زبان الگوی بافت تأکید دارد. اینجا تداوم زبان الگو مترادف با تداوم حیات ساختارهای سنتی تعریف می‌شود... البته ایجاد هویت طراحی به عنوان مولد طراحی معاصر در بافت برای طراحان با تأکید بر الگوگرایی، به جای فرم‌گرایی و تداوم زبان الگو محقق خواهد شد» (علوی‌زاده، اسلامی و حبیب، ۱۳۹۷، ۸۳). درک و شناخت صحیح از محیط متضمن فهمی جامع است. لوی معتقد است که رابطه نمادین شکل‌یافته‌ای توسط مردم در یک فضای خاص یا قطعه‌ای از زمین به‌وجود می‌آید که معانی عاطفی فرهنگی زمینه را برای درک و شناخت فرد و گروه‌ها از محیط فراهم می‌کند. بنابراین برای ارزیابی روابط در یک بستر، ضروری است که تنها به جای متغیرهای شکلی، متغیرهای محیطی نیز در نظر گرفته شوند (Sotoudeh, 2014, 6).

در این ارتباط، برخی از محققین به طراحی زمینه‌گرا و غلبه ارزش‌ها و روح مکان بر طرح همراه با ارزش و هویت مستقل طرح اشاره دارند و به نقل از فریچ^۲ این رویکرد را در شمار بهترین آثار زمینه‌گرا قرار می‌دهند (بابایی و خاک‌زند، ۱۳۹۷، ۱۷۶).

بیارد^۳ معتقد است که بهترین رویکردها در طراحی الحاقات جدید، انتزاع، اقتباس و یا تغییر شکل است (Payne, 2013, 64). در این خصوص آرا مختلف در بین متخصصین از جمله تکرار عین به عین، تضاد با زمینه، رویکرد اعتدال‌گرا، محافظه‌کارانه، هم‌جواری خنثی، آینه‌ای، تلفیقی، مدرن دیده می‌شود (نائینی و سهیلی، ۱۳۹۸، ۱۱۱؛ قره‌بگلو، نژادابراهیمی و اردبیلچی، ۱۳۹۸، ۶۴؛ قدیری، ۱۳۸۵؛ قنبری و یگانه، ۱۳۹۶، ۳۹؛ پرویزی، بمانیان و مهدوی‌نژاد، ۱۳۹۵، ۷۳؛ Davies, 2003; Baher & Khaled, 2016, 73).

به نظر می‌رسد این رویکردها بدون اتخاذ سیاست و راهبردهای مناسب در بافت به خودی خود قابل توجیه نخواهند بود. بنابراین می‌بایست اصول ضروری در طراحی‌های جدید را جستجو نمود. با اشراف به اختلاف نگرش‌های موجود و با توجه به حساسیت بالای طراحی در بافت‌های تاریخی رجوع به اسناد بین‌المللی همچون یونسکو و ایکوموس و یا مطالعات متخصصین حوزه میراث به منظور دستیابی به بایدها و نبایدها الزامی است. این موضوع در منشور کبک با این مضمون تأکید شده است که از بازسازی‌های مبتنی بر حدس و گمان پرهیز شود و کپی‌برداری از آثار تاریخی مجاز نیست (ICOMOS, 1982b) به هر صورت، احترام به

معماری نه چندان تکراری و نه چندان انتزاعی، برای درک و لذت‌بردن، همواره مورد بحث و گفتگو است و صحبت‌ها در مورد این‌که تا چه حدی از تقلید قابل قبول است، هنوز ادامه دارد. طبیعی است که محدودیت‌های اجتناب‌ناپذیر مرتبط با میراث، تیم طراحی را به چالش می‌کشد تا راه‌حل‌های در نظر گرفته و پالایش شده‌ای را ایجاد کند که از ارزش‌های میراث مکان الهام گرفته باشد. تنها یک رویکرد زیبایی‌شناسی صحیح وجود ندارد. طراحی جدید در زمینه‌های میراث می‌تواند تنوع غنی از تفسیر و بیان معماری را در خود جای دهد. برخی از طراحان ممکن است یک رویکرد سنتی یا بومی را اتخاذ کنند. دیگران ممکن است زیبایی‌شناسی بسیار معاصر را مد نظر قرار دهند. هر دو معتبر هستند. صرف‌نظر از سبک، احترام به اعتبار فرهنگی باید زیربنای هر جنبه از روند طراحی باشد (NSW government, 2019, 16). تیم طراحی باید به نحوی طراحی کند که از اهمیت و اعتبار مکان میراث پشتیبانی کند، شرایط فنی و قانونی را برآورد کرده و انتظارات معاصر از عملکرد و راحتی را در خود جای دهد. تیم طراحی باید مهارت خاصی در آموزش و طراحی داشته‌باشد تا این دانش را ترکیب کند و میراث را برای کاربردها و نسل‌های جدید زنده کند. کار حساس جدید باید بدون پاک‌کردن لایه‌های قبلی، لایه دیگری به تاریخ طولانی محوطه اضافه کند و باید مکان میراث را به کاربران جدید بشناساند. این کار ارزش‌های بیشتری برای نسل‌های آینده ایجاد می‌کند (NSW government, 2019). بنابراین حفظ و ارتقا حس مکان، احترام و حمایت از اعتبار فرهنگی و ارزش‌های موجود، استخراج زبان الگوی محیط، حفظ لایه‌های تاریخی، ارتقا و انتقال آنها به نسل‌های آینده از وظایف برجسته یک طراحی خوب در بافت تاریخی است. اتخاذ رویکرد مناسب برای تحقق موارد فوق، نیاز به تدوین اصول و معیارهای دقیق‌تری را الزامی می‌سازد.

معیارها و اصول طراحی

برای بررسی معیارها و اصول طراحی در میراث روستایی، نیاز به دسته‌بندی در سطوح و مقیاس متفاوت وجود دارد. در این بخش برخی از مهم‌ترین اصول و معیارهایی که بیشتر از سایر اصول مورد وفاق بوده و در اسناد بین‌المللی هم نمود پیدا کرده‌اند، برگزیده و مطرح شده است. مسلماً این موارد جزء الزامات طراحی در بافت تاریخی است ولی موارد خاص و بومی هر مکان را باید در همان محل جستجو نمود و با سایر موارد درآمیخت. چنانکه محققین معتقدند: «شاید ظرفیت چنین اسنادی (اسناد بین‌المللی) با توجه به حوزه شمول آنان، چنین اقتضا می‌کند که صرفاً به انتظام ساختارهای فکری مربوطه (نکات بالقوه) به مثابه چراغ راه بسنده گردد. آنچه که باید بالفعل گردد، با توجه به شرایط جغرافیایی، اقلیمی و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی مکان‌ها و با حضور خبرگان مرمت و معماری و شهرسازی هر منطقه، می‌تواند به تدوین جزئیات دستورالعمل‌های اجرایی بیانجامد» (ابویی و جعفری، ۱۳۹۴، ۱۳۸). از این روی این تحقیق در ابتدا اصول مشترک در طراحی در بافت‌های میراثی که در هر مقیاس و گستره‌ای مصداق می‌یابد و عمده‌تاً مورد اجماع مجامع بین‌المللی قرار گرفته‌اند را به عنوان معیارهای پایه مورد بررسی قرار می‌دهد. در مرحله بعد معیارهای کالبدی که عموماً و در درجه اول مد نظر طراحان قرار می‌گیرند و البته نمود بارزی در طراحی دارند، مورد مذاقه قرار گرفته و نهایتاً با توجه به هدف غایی تحقیق به جستجو در معیارها و اصول طراحی در میراث روستایی می‌پردازد.

- اصول و معیارهای پایه

آنچه که طراحی در یک بافت تاریخی را از طراحی در سایر سایت‌ها جدا می‌کند، لزوم توجه مضاعف و جدی به اصول و معیارهای غیر کالبدی است که در درجه اول، قبل و حین طراحی می‌بایست مورد مذاقه قرار گیرد. به عبارتی حتی اگر طرح جدید در یک بستر میراثی، اصول و معیارهای کالبدی لازم را در نظر بگیرد، ولی

بی‌اعتنا به سایر عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در طراحی باشد بدون تردید سازگاری لازم با بستر را تأمین نکرده و ناموفق خواهد بود. بنابراین می‌توان اذعان داشت که این اصول پیش شرط معیارهای کالبدی خواهند بود و از اهمیت بالایی برخوردارند. آنچه که در میان اسناد و تحقیقات به صورت مشترک مورد وثوق متخصصین این حوزه است، در ادامه خواهد آمد.

حفظ ارزش‌ها، اصالت و یکپارچگی مکان می‌بایست در اولویت هر مداخله معمارانه جدید قرار گیرد (شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱، ۳۳). آلدرسون اشاره دارد که یکپارچگی سازه‌های تاریخی از طریق تمایز بصری و استانداردهای انعطاف‌پذیر که به اندازه کافی نقش معماری جدید با معنا را تشویق می‌کنند، بهتر حفظ می‌شود (Alderson, 2006, 22). توجه به هویت فرهنگی جامعه در کارهای معاصر و حفظ یکپارچگی سیما و ظاهر بافت، فرم، ارتباط منظر فیزیکی و فرهنگی و کلیت مصالح در منشور بومی میراث ساخته‌شده مورد توجه است (ICOMOS, 1999). در منشور کراکف هم در نظر گرفتن کلیت مورفولوژیکی، کاربردی و ساختاری شهر، به عنوان بخشی از قلمرو، محیط‌زیست و چشم‌اندازهای اطراف آن در هنگام مداخله تأکید شده است (Krakow Charter, 2000). می‌توان دریافت که حفظ یکپارچگی منظر فرهنگی و کالبدی ضمن ایجاد تمایز بصری، معنا بخش معماری جدید خواهد بود.

با توجه به تقابل خلاقیت و نوآوری با معیارهای حفاظتی، حفظ و ارتقا حس مکان، معیار تعیین‌کننده‌ای در این زمینه محسوب می‌شود. به عبارتی نوآوری در طراحی تا زمانی که القاکننده حس مکان است، نه تنها مشکلی برای اصالت و اعتبار مکان به‌وجود نمی‌آورد بلکه آن را نیز ارتقا خواهد بخشید. «ساختار جدید نباید بر بافت موجود غلبه کند» (شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱، ۳۳). منشور نیوزیلند بر لزوم سازگارسازی عملکرد، مصالح و فرم‌ها تأکید کرده و قید می‌کند افزودنی‌ها نباید در بافت تاریخی ابهام ایجاد کنند و یا غلبه داشته باشند. آنها باید برگشت‌پذیر باشند» (ICOMOS, 2010). کار جدید باید به زمینه، توان، مقیاس و شخصیت اصلی احترام بگذارد و نباید بر آن غلبه کند. کلید موفقیت در طراحی آن است که با دقت به اهمیت مکان احترام گذارد و از آن حمایت کند... اثر جدید با طراحی خوب می‌تواند نقش مثبتی در معرفی مکان داشته باشد. (ICOMOS, 2013)

در راهنمای طراحی برای میراث تدوین شده در سیدنی استرالیا، منظور از احترام را درک خصوصیات اساسی مجموعه و حفظ آنها می‌دانند. همچنین تأکید می‌کند که کار جدید می‌تواند فرصتی برای ارتقاء این خصوصیات و حتی اصلاح کار بعدی که باعث به‌خطر افتادن آنها شده است فراهم کند. احترام و نوآوری باید شرکای مشترکی در این تمرین باشند نه دشمنان متقابل (NSW government, 2019). در اصول حفاظت و مدیریت شهرهای تاریخی و مناطق شهری والتا نیز خلاقیتی که مبتنی بر روح مکان باشد را مجاز دانسته است (ICOMOS, 2011, 5). بنابراین یکپارچگی، حفظ و ارتقا حس مکان، احترام به مقیاس و شخصیت اصلی مکان، نوآوری، سازگارسازی عملکردها، مصالح و شکل‌ها، غلبه نکردن ساختار جدید بر بافت و حفظ چشم‌اندازها از اهم مواردی است که در طراحی نباید از آن غفلت کرد.

- اصول و معیارهای کالبدی - فضایی

رعایت بسیاری از مؤلفه‌های کالبدی در طراحی‌های جدید به وفور در میان تحقیقات و از جمله اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته‌است. به‌طوری‌که در منشور اروپا تأکید می‌شود که «ورود معماری مدرن به بافت تاریخی مشروط به رعایت زمینه، تناسبات، شکل‌ها، اندازه، مقیاس موجود و مصالح سنتی است» (ICOMOS, 1975). در سند دیگر نیز توجه به حجم و ارتفاع، تناسبات و الگوی معماری را مکمل ارزش‌های منظر تاریخی می‌داند (ICOMOS, 2005). در مقیاس بافت در منشور حفاظت از میراث کبک نیز مطرح می‌شود که ساخت و سازه‌های جدید باید از نظر رنگ، بافت، نسبت‌ها، الگوی فضاهای پر و خالی و ترکیب کلی

با بافت متناسب باشند (ICOMOS, 1982b). رعایت طرح فضایی موجود هنگام احداث ساختمان‌های جدید یا سازگارسازی ساختمان‌های موجود خصوصاً از نظر مقیاس و اندازه قطعات مورد تأکید منشور واشنگتن قرار گرفت (ICOMOS, 1987). همچنین در بیانیه احیا سکونتگاه‌های کوچک، تداوم معماری محلی از طریق استفاده از فنون و مصالح ساختمانی سنتی مطرح شده است (ICOMOS, 1982a).

مطالعات انجام شده در ایران نیز با اشاره به اسناد بین‌المللی و نقد آنها در این زمینه، موارد عدیده‌ای از جمله، ارتباط با چشم‌انداز طبیعی و توپوگرافی احتمالی بستر استقرار محدوده، هماهنگی با شبکه دسترسی، رعایت دانه‌بندی، مقیاس و الگوی نظم دانه‌های قطعات محدوده در پلان و در نیمرخ محدوده، ارتباط عناصر جدید با سایر ساختارها به لحاظ رعایت الگوی حجمی، ترکیب و تناسبات پر و خالی و ترکیب سایه روشن در نماهای شهری، الگوی پراکنش، ارتباطات و فرم فضاهای شهری، فاصله و تناسب فضای پر و خالی، فرم توده، فرم بام و رعایت کریدورهای دید از و به محوطه تاریخی و در دگرگونی‌های مورد نیاز معاصر سازی، علاوه بر استفاده از مصالح و مواد سنتی و هماهنگ، ترجیحاً بر استفاده از سازه‌های سنتی در این خصوص تأکید می‌کنند (ابویی و جعفری، ۱۳۹۴، ۱۲۸-۱۳۵؛ شاه‌تیموری و مظاہریان، ۱۳۹۱، ۳۳) و در نهایت در پژوهش‌های مشابه برای پاسخ صحیح به مسأله طراحی مسکن روستایی سه دسته‌بندی کلی پیشنهاد می‌شود: حل مسائل عملکردی (همجواری‌ها، حرایم و نحوه چیدمان)، حل مسائل طبیعی (سازگاری با عوامل اقلیمی و مصالح بوم‌آورد)، و حل مسائل ساختمانی (نسبت توده و فضا، نحوه مجاورت، هندسه و اندازه و ابعاد) مسکن توجه نمود (عسکری رابری، عباس‌زاده و آبرون، ۱۳۹۴، ۱۸۴). چنانچه مشاهده شد ابعاد معیارهای کالبدی طراحی در مقیاس بنا و بافت، بسیار گسترده و مشترک در بسیاری از تحقیقات است. آنچه که کار طراحی در بافت تاریخی را با مشکل و ابهام روبرو می‌سازد ایجاد تعادل بین دو دسته معیار پایه و معیارهای کالبدی است.

- اصول و معیارهای طراحی ویژه بافت‌های روستایی

طراحی در میراث روستایی علاوه بر رعایت موارد فوق، اصول ویژه‌ای را می‌طلبد که مختص میراث روستایی باشد. حتی اگر این اصول محدود و اندک باشند، ولی رعایت آنها در طراحی، موفقیت طرح را تضمین می‌نماید. در پروژه توسعه روستایی و میراث فرهنگی که توسط شورای اروپا با همکاری کشورهای اروپایی در مناطق مختلف روستایی انجام شده، اشاره دارد راه‌حلی که در محدوده‌های شهری موفقیت‌آمیز هستند، ممکن است لزوماً در مناطق روستایی کارساز نباشند. این تحقیق مدیریت یکپارچه و توسعه یکپارچه را اساس هر نوع تغییر می‌داند (Eppich, 2014, 90).

یکی از متأخرترین اسناد در این زمینه، اصول منظر روستایی به عنوان میراث است که اذعان می‌دارد خط مشی‌های منظر روستایی باید بر مدیریت تغییرات قابل قبول و مطلوب در طول زمان که با حفظ، احترام و ارتقای ارزش‌های میراثی همراه است، تمرکز کند (اشرفی و شکرانی، ۱۳۹۷، ۱۲).

ترویج دانش و الگوهای سنتی زندگی نیز در بسیاری از اسناد در حفاظت میراث روستایی تأکید شده است (Council of Europe, 2003, 6). در بیشتر مطالعات، منظور از الگوهای سنتی زندگی در میراث روستایی، هر دو مورد میراث طبیعی و فرهنگی ذکر شده است، چرا که میراث روستایی را می‌توان منظر فرهنگی نیز تلقی نمود. در منشور میراث روستایی نیز آمده است که «میراث روستایی ضمن توجه به کیفیت زندگی ساکنان، به کیفیت مناظر و جذابیت مناطق برای ساکنینی که در آنجا زندگی می‌کنند و هم به کسانی که از آنجا بازدید می‌کنند تعلق دارد و حفظ آن از طریق استفاده از روش‌های سنتی مدیریت و حفاظت میراث طبیعی از طریق توسعه‌های محلی، معاصر سازی میراث روستایی بر اساس نیازهای جدید، طراحی خلاقانه و تداوم زندگی آینده آن تضمین می‌شود» (Council of Europe, 2010, 4-6). توصیه‌نامه نایروبی نیز هر تغییری را مشروط به

حفظ یکپارچگی جوامع روستایی تاریخی و محدوده‌های طبیعی پیرامون آنها کرده است. (ICOMOS, 1976). از این روی توجه به کیفیت محیطی اعم از فرهنگی و طبیعی در روستا از اهمیت بالایی برخوردار است. قبل از طراحی لازم است بایدها و نبایدها مشخص شوند. اولین قدم برای رسیدن به طراحی مناسب، انتخاب سایت و مکان مناسب در آن سایت و دستیابی به مقیاس و فرم مناسب است... با توجه دقیق در بافت و میراث معماری موجود به سر نخ‌های بصری برای طراحی دست یافت. طراحی مناسب در بافت روستایی می‌تواند به صورت سنتی و یا با تفسیری مدرن و جسورانه‌تر از آن، در صورت اجرای صحیح باشد. از طراحی‌های کسالت‌آور و یا پیچیده شهری و یا حومه و سایر موارد خودداری کنید. آنها اغلب ترکیبی از سبک‌های مختلف هستند و برای یک منطقه روستایی نامناسب است (Gordon, Mc.Kenna, 2008, 8).

کاربری سازگار، تداوم ارتباطات اجتماعی، تداوم ابزارهای فرهنگی و تداوم مراقبت سنتی که وجه شوری از آن تحت عنوان میراث زنده، یاد می‌کند (Wijesuriya, 2015, 1-8)، نیز در پیشنهاد کاربری‌های جدید برای حفاظت یک روستا مؤثر است.

موارد دیگری همچون «تعمیرپذیری، سادگی و انعطاف‌پذیری»، خلوص، تناسب و کیفیت مواد (نیک‌فطرت و بیطرف، ۱۳۹۵، ۱۳۳، 2؛ Galway County Concil, 2005) نیز از جمله ویژگی‌های معماری بومی به حساب می‌آیند که در طراحی‌های جدید باید لحاظ شود. زانگ و دونگ در تعریف مداخله حداقل در حفاظت معتقدند طراحی بناهای جدید باید حداقل با نمای بنای میراثی هماهنگ باشد. (Zhang & Dong, 2019, 11)

در پاره‌ای از پژوهش‌ها مدل‌هایی برای طراحی جدید در روستا مطرح شده است. این مدل‌ها می‌بایست ویژگی‌هایی همچون سازگاری با مسیرهای محلی و شبکه ارتباطی، سازگاری با ویژگی چشم‌انداز محلی، ادغام خوب با توپوگرافی، پیروی از اصول جهت استقرار، حفظ همجواری‌ها، حفظ ویژگی‌های محلی راه‌های طبیعی و ساخته شده، سازگاری با الگوهای محلی مسکونی طبق سبک زندگی محلی، نیازهای ساکنان، سازگاری با شکل، ارتفاع، تناسب و اندازه‌ها، مصالح، شکل سقف و استفاده از مصالح محلی را دارا باشند (اقبالی الله بلاغی، ۱۳۹۴، ۱۰۰؛ Boyac oğlu et al., 2015, 10). در دستورالعمل‌هایی که در این خصوص تهیه شده است نیز گسترش و تغییرات کم و آهسته، سازگاری حساس با طبیعت و نفوذ نرم و برگشت‌پذیر، استفاده مجدد از مصالح ساختمانی و اجزای سازنده، ساخت و سازهای کوچک مقیاس، سادگی در بنا، کمترین تغییر شکل در مواد و مصالح و استفاده از مصالح طبیعی، احترام به الگوی استقرار، زمین‌شناسی، منابع و توپوگرافی، تشخیص، تمایز و رعایت مقدسات و ناپسندها و ارتباطات متقابل آنها، پذیرش قوانین و دانش بومی که توسط بزرگان جامعه، متولیان امر، مشاوران و افراد محترم منتقل می‌شود را در مدیریت توسعه پایدار اقامتگاه‌های بومی توصیه می‌کنند (Dayaratne, 2018, 344). دستورالعمل طراحی میراث روستایی کانادا تأکید دارد برای حفظ تاریخ روستا، باید چشم‌انداز و هویت ساختمان‌های قدیمی را در استفاده‌های جدید سازگار نمود و بناها و اماکن تاریخی که دیگر از آنها استفاده نمی‌شود را بازسازی کرد تا در خدمت اهداف جدید باشند (Scheppers, 2009).

در دستورالعمل دیگر طراحی میراثی نیز آمده است که مکان باید نقطه مرجع برای کارهای نو باشد. طراحی جدید باید با شکل‌های ساده در مقیاس و تناسب با ساختمان موجود باشد یا به گونه‌ای طراحی شود که اطمینان حاصل شود آنها بر مکان‌های میراث غلبه ندارند. از طرح‌هایی که جزئیات تزئینی میراث محل را در کارهای جدید کپی کنند، باید خودداری شود. تغییرات نباید اصالت و یکپارچگی، ویژگی‌های اصلی و تقارن مکان میراثی را تغییر دهند (Heritage Design Guidelines, 2015, 18).

در ایرلند با تدوین فهرست مفصلی از عناصر میراثی که در طراحی باید ارزیابی شوند بر فرم، بافت، منظر و محیط، ساختمان‌ها، سازه‌ها و فضاها، نمای روستا، جداره‌ها، ارتفاع، مقیاس و تراکم ساختمان‌ها، اندازه‌ها، سبک‌ها، ویژگی‌های متمایز، مصالح، جزئیات و غیره تأکید شده است (Harvey AILI, 2012, 42).

در تحقیقی که در خصوص معیارها و اصول طراحی فضاهای دست‌کند معاصر انجام شده، علاوه بر موارد فوق

به کارایی، چند عملکردی بودن، استحکام، ایمنی، تاب‌آوری، فرم منحصر به فرد، نماد و نشانه قرار گرفتن اشاره دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۰۹).

جمع بندی چارچوب نظری

حاصل بررسی اسناد و مدارک بین‌المللی، دستیابی به سیاست‌ها و راهبردهای ساخت و ساز و طراحی جدید در بافت‌های میراثی اعم از شهری و روستایی بوده است. منشورها و اسناد مدون یونسکو و ایکوموس به لحاظ اجماع بین‌المللی متخصصین این حوزه مورد تأکید قرار گرفته است. در میان سایر مطالعات مربوط به اصول و معیارهای طراحی در روستاهای بومی و میراثی، دستورالعمل‌ها و مقالات مختلف و متعددی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که طراحی در محیط روستایی اصول گسترده‌ای را همچون سادگی، کوچک مقیاسی، رعایت فرم، سبک و حجم، فرم سقف، ارتفاع، اندازه و تناسبات، مصالح بومی، منحصر به فرد و نماد و نشانه بودن، بازیافت مواد و مصالح، سازگاری طرح جدید با الگوهای ساخت و زیست محلی و غلبه نکردن طرح جدید در بافت موجود، احترام به الگوی استقرار و توپوگرافی زمین، یکپارچگی، ترویج دانش و الگوهای سنتی، طراحی خلاقانه، تعمیرپذیری، برگشت‌پذیری، حداقل مداخله و تغییر، عدم تقلید، حفظ چشم انداز بصری، هویت و حس مکان در روستا و مشارکت مردم شامل می‌شود.

طراحی در روستای میمند

- معرفی اجمالی روستای تاریخی میمند

روستای میمند بخشی از منظر فرهنگی میمند در بخش غربی استان کرمان واقع است که در سال ۱۳۹۴ در فهرست میراث جهانی قرار گرفته است. این منظر شامل سه مجموعه اقامتگاه در مساحتی حدود ۱۲۰۰۰ هکتار در ارتفاعات مختلف می‌باشد. هر یک از این استقرگاه‌ها بستر طبیعی و موقعیت مکانی متمایز و بالطبع معیشت و معماری متفاوتی را عرضه می‌نماید. سرآغل‌ها در دشت خاتون‌آباد، در جنوب این منظر فرهنگی، در جوار رودخانه‌های فصلی قرار داشته که، آب مورد نیاز آنها از طریق آب انبارهای ساخته شده تامین می‌شده است (UNESCO, 2012). طی مصاحبه با کارشناسان بومی مستقر در روستا، جمعیت بهره‌برداران از مراتع حدود ۱۰۰ خانوار بوده که در قالب واحدهایی با متوسط ۱۰ تا ۱۲ خانوار، در چهار ماه اول سال در سرآغل‌ها مستقر هستند. این خانوارها، برای انجام امور کشاورزی و بخش پروراندی دام‌های خود در چهار ماه دوم سال به آبادی‌هایی که در آنها حق مالکیت دارند و در بخش‌های مرتفع شمالی منطقه واقع هستند، کوچ می‌کنند. با توجه به پراکندگی منابع آبی، آبادی‌های متعددی (۳۵ آبادی) شکل گرفته است. معمولاً بخش‌های غیر قابل کشت و زمین‌های سنگی به عنوان سکونتگاه انتخاب می‌شوند.

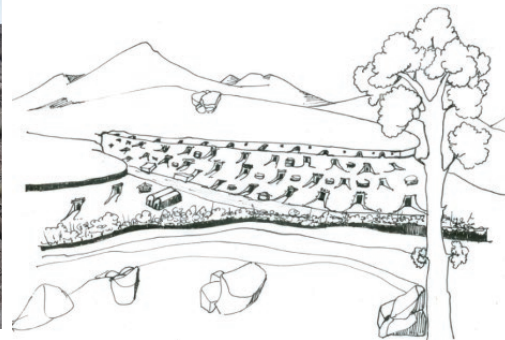
روستای دست‌کند میمند سومین اقامتگاه (زمستانی) است. بافت روستا متشکل از کیچه‌های دست‌کندی است که در دو طرف سه دره، با جهت و عمق متفاوت در دل تپه و در سه تراز کنده شده‌اند. دره اصلی شمالی جنوبی با بیش از ۵۰۰ متر طول بیشترین تعداد کیچه‌ها را به خود اختصاص داده است. به گفته اهالی و با توجه به نوع بافت موجود، اولین خانه‌های دست‌کند در دره شرقی که در پایین دست به دره شمالی جنوبی می‌رسد، شکل گرفته است. عناصر خدماتی روستا شامل حمام، حسینیه و مسجد همه به صورت دست‌کند ایجاد شده‌اند. با احتساب ۲۵۰۰ اتاق که در اوج افزایش جمعیت هر کدام یک خانوار ۴ نفره را اسکان می‌داده است می‌توان جمعیتی بالغ بر ۱۰۰۰۰ نفر را تخمین زد. ولی جمعیت به مرور در دهه‌های بعد کاهش یافته است. در سال ۱۳۵۵ جمعیت میمند در حدود ۲۵۰۰ نفر، ۵۰۰ خانوار (خلیل یحیوی، ۱۳۵۶، ۱۵۱) بوده و در حال حاضر حدود ۳۰ خانوار در روستا زندگی می‌کنند.

در مورد تاریخچه میمند اظهار نظرهای مختلفی وجود دارد و غلامعلی همایون قدمت روستا را به اواخر اشکانیان

و اوایل ساسانیان نسبت داده است (همایون، ۱۳۵۲، ۲۵۵). آزمایشات ترمولومینسانس بر روی سفالینه‌های مکشوفه از دژ میمند نیز دوره هخامنشی را تخمین می‌زند (پورقربان، ۱۳۸۰، ۶۱). اما دکتر روح الامینی در این خصوص به نقل از باستان‌شناس فرانسوی لوروا گوران با توجه به سنگ نگاره‌ای در پیرامون میمند قدمت بیش از ده هزار سال را پیش بینی می‌کند (روح الامینی، ۱۳۷۰، ۲۴۱). البته این اختلاف آرا در قدمت روستا، ناقض ارزش‌های تاریخی آن نیست.

نکته قابل توجه آنکه مصالح حاصل از حفر کیچه‌ها بر روی سطح بستر طبیعی منتقل و همراه با سنگ‌های موجود در محل در ساخت فضاهای مورد نیاز، بازیافت می‌شد. مهم‌ترین آنها ساخت سرویس‌های بهداشتی حلزونی شکل خشکه چین (اوریز) است که به تعداد کیچه‌ها ساخته شده است. همچنین ساخت تراس‌های مدور سنگ‌چین در هنگام بارندگی با کاهش سرعت آب‌های جاری از فرسایش زیاد جلوگیری می‌کند. این همجواری فضاهای دست‌کند با دست‌ساز، سنتی است که از دیرباز به شکلی هماهنگ ولی محدود در روستا وجود داشته است. در دهه ۴۰ با ازدیاد جمعیت روستا و نیز رواج رفت و آمدها به شهرهای بزرگ به ویژه جوانان برای خدمت سربازی، ساخت و سازهایی با مصالح بنایی و عمدتاً سنگ و خاک به روستا اضافه شد و بعد از انقلاب اسلامی امکانات جدیدی همچون حمام عمومی، مدرسه، مخابرات، اردوگاه آموزش و پرورش و مرکز بهداشت با آجر و بتن و آهن به این ساخت و سازها اضافه شد. این بناها نه در مصالح، نه در فرم و نه در حجم با الگوهای موجود در روستا هماهنگ نبودند و با کاهش جمعیت روستا اکثراً بدون استفاده رها شدند.

با توجه به معماری و منظر خاص روستای میمند و لزوم سازگاری طراحی‌های جدید با این بافت پیچیده، طراحی اصولی مبتنی بر پایه‌ها و مبانی نظری متقن لازم است. وجود گزارش‌های منظم روزانه و سالانه و تشریح سیاست‌ها و طرح‌های اجرا شده مستند در آرشیو مرکز اسناد روستا (گزارش سالانه، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳، ۱۳۹۵) توانست در جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق مفید باشد. همچنین نظر به اینکه کلیه اقدامات و کارهای جدید انجام شده در میمند در قالب پرونده ثبت جهانی برای یونسکو ارسال شده و به طور ضمنی مورد تأیید قرار گرفته است (WHC, 2015, 7-9)، لذا امکان بررسی الگوهای طراحی‌های انجام شده در این روستا، تحقیق را مستدل تر می‌ساخت.



شکل ۱ و ۲. نمای کلی روستای میمند

- ضرورت طراحی‌های جدید در میمند

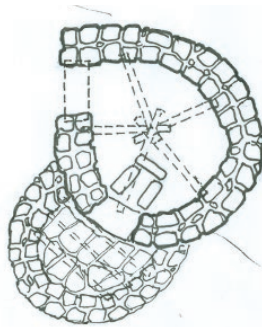
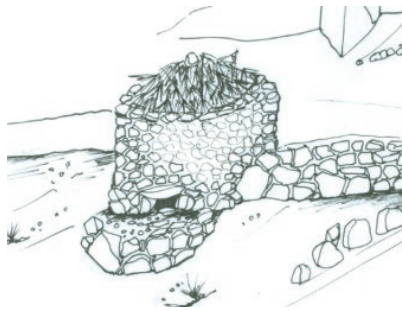
عوامل زیادی نیاز به طراحی‌های جدید همخوان با بافت را در دو دهه اخیر در این روستا رقم زد. ساخت و سازهای بی‌قاعده و ناهمخوان با بافت در دهه‌های اخیر و وجود الگوهای غلط، ثبت روستای تاریخی میمند در فهرست آثار ملی، و انجام اقدامات حفاظتی به ویژه از طرف سازمان میراث فرهنگی، اهمیت بیشتر ساکنین به وضعیت روستا و نیز افزایش مراجعه گردشگران و لزوم پاسخگویی به نیازهای جدید و نیز سازگارسازی ساخت‌وسازهای بی‌رویه از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این امر بوده‌اند. با توجه به برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت بر اساس سیاست‌ها و راهبردهای مبتنی بر مبانی فکری حفاظتی جامع‌نگر و به روز، ضرورت‌ها و اولویت‌های

طراحی در رأس اقدامات حفاظتی میمند قرار گرفت. حفاظت اضطراری و شناخت عمیق در همه سطوح، عمدتاً در برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت قرار داشت و ساماندهی و ارائه طرح‌های موردنیاز در برنامه‌های میان‌مدت پیش‌بینی شده بودند (اشرفی، ۱۳۸۲). از جمله مهم‌ترین این نیازها، طراحی سرویس‌های بهداشتی با شرایط بهداشتی مناسب، طراحی زمین بازی کودک، ساماندهی جداره‌ها و معابر، طراحی تابلوهای راهنما و اثاثه روستایی و بومی‌سازی بناهای ناهمگون بود که به تدریج در اولویت قرار گرفت (اشرفی، ۱۳۹۳، ۱۱). استقرار کارشناسان زبده به همراه کارشناسان بومی و حضور همیشگی در پایگاه دائمی میراث فرهنگی، عامل مؤثری در دستیابی به درک و شناخت عمیق از محل و دستیابی به الگوهای طراحی نسبتاً مناسب با بافت روستا بوده است. همچنین «بهره‌مندی از کارگران و استادکاران بومی، نقش مهمی در انتقال تجارب و دانش محلی در اجرای طرح‌ها داشته است. ساماندهی و اعطای کاربری جدید به فضاهای متروکه، طراحی و اجرای فضاهای خدماتی و رفاهی جدید مطابق الگوهای بومی را از جمله نقاط قوت برنامه‌ریزی و مشارکت ساکنان در روستای میمند برشمرد» (حدادی و مهدیزاده حسینی، ۱۳۹۴، ۲۴۱).

(۱) طراحی سرویس بهداشتی

وضع موجود

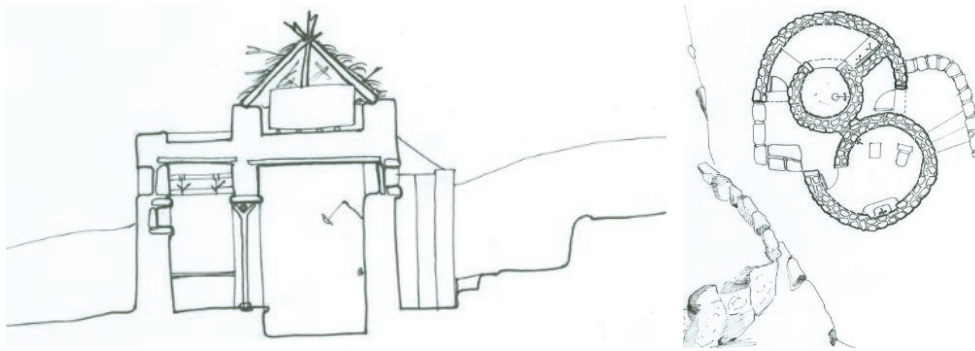
سرویس‌های بهداشتی روستا (اوریزها) از الگوی خاصی پیروی می‌کنند. بی‌تردید شناخت زبان الگوی آن در تحلیل طراحی‌های انجام‌شده کمک خواهد کرد. هر یک از واحدهای مسکونی (کیچه) دارای اوریز مستقل با سیستم انباره‌ای (بارزنگه) هستند. این موضوع اهمیت استقلال خانوارها برای به‌کارگیری کود انسانی در مزارع خود را نشان می‌دهد. عمده مصالح به‌کار رفته سنگ به صورت خشکه‌چین است که در محل به وفور یافت می‌شود. بخشی از مصالح نیز از کندن کیچه‌ها و تخلیه مصالح به بیرون حاصل شده است. شکل اوریز حلزونی شکل است و به دلیل دید بسته این فرم هیچ دری به‌کار نرفته است. سقف‌ها یا بدون پوشش است که دید به آسمان و ارتباط بی وقفه با طبیعت را دنبال می‌نماید و یا با لایه‌هایی سبک از تنه، شاخ و برگ درختان و بوته‌ها پوشش داده شده‌اند.



شکل‌های ۳، ۴، ۵، ۶. نمای کلی، مقطع و پلان تیب غالب اوریزها در روستا

سرویس بهداشتی جدید

در طراحی‌های جدید انجام شده برای سرویس بهداشتی، بسته به موقعیت، میزان مراجعه و نوع استفاده، انواع متنوعی در روستا طراحی و ساخته شده است. آنچه که در اغلب آنها مشترک است استفاده از شکل حلزونی و مواد و مصالح بومی است. در مواردی که نیاز به حمام در کنار سرویس بهداشتی، وجود داشته است، با ترکیب فرم‌های مرسوم حلزونی و تقسیم به احجام کوچکتر، سعی شده است که مقیاس رایج حفظ شود. ارتقا وضعیت بهداشتی سرویس‌ها از طریق ایزولاسیون مناسب و تعبیه سپتیک‌های بی‌هوازی انجام شده است. در عین حال نمای بیرونی، ظاهری خشکه‌چین داشته و همخوانی خود را با نماهای اوریزهای خشکه‌چین شده موجود به خوبی حفظ کرده است. در داخل فضا علی‌رغم اجبار در استفاده از مصالح قابل شستشو، با استفاده از جزئیات اجرایی آشنا در محل، روح مکان کاملاً احیا شده است. به طوری که با قرار گرفتن در فضا حس در میمند بودن تداعی می‌شود. با توجه به لزوم دسترسی مناسب به سیستم دفع فاضلاب، موقعیت استقرار این سرویس‌ها عمدتاً در پیرامون مسیر اصلی انتخاب شده است که البته نمی‌تواند دسترسی یکسان و مناسبی را برای همه فراهم کند. از طرفی لزوم ایزولاسیون‌های موردنیاز در سرویس‌ها، موجب اندک حجیم‌تر بودن آنها نسبت به اوریزها شده است. مراجعه جمعیت فراوان گردشگران در ایام تعطیل، لزوم تدارک سرویس‌های متعددی را ایجاب می‌کند که این امر خود می‌تواند سیمای بصری و نیز کالبدی روستا را تخریب نماید.



شکل ۷ و ۸. پلان و مقطع از مجموعه حمام و سرویس بهداشتی ساخته شده



شکل ۹. نمای مجموعه حمام و سرویس بهداشتی ساخته شده

منبع: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی میمند

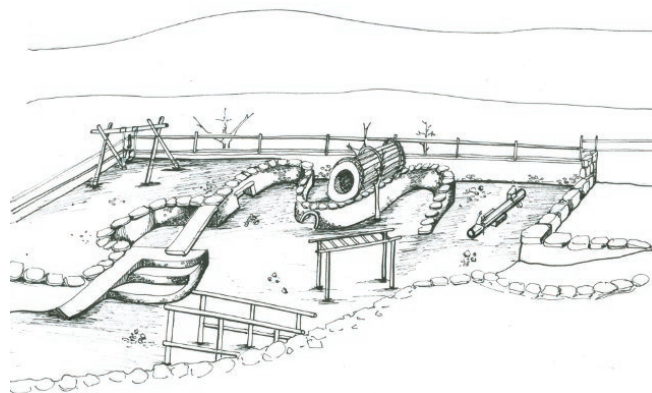
(۲) طراحی زمین بازی کودک

زمین بازی برای کودکان از دیگر فضاهای طراحی شده جدید است. این فضا در زمینی نسبتاً کوچک در جوار رودخانه و در سطحی پایین‌تر از مسیر اصلی روستا، همراه با مصالح بومی چوب و سنگ و به‌کارگیری فرم‌ها و عناصر رایج، طراحی و اجرا شده است. سنگ چین ماریپچ ضمن فراهم کردن سطوح بیشتری برای بازی کودکان، همخوانی نزدیکی با فرم‌های موجود در محل دارد و تاب چوبی آن به سبک چوب‌های دوفاق سازه‌های خانه‌های دشتی و آبادی‌های میمند اجرا شده است. در اجرای جزئیات آن استادکاران بومی نقش مؤثری داشته‌اند. کف زمین بازی خاکی است که به هر حال نمی‌تواند کاملاً ایمن باشد. کوچک بودن زمین نیز از دیگر محدودیت‌های آن به شمار می‌آید.

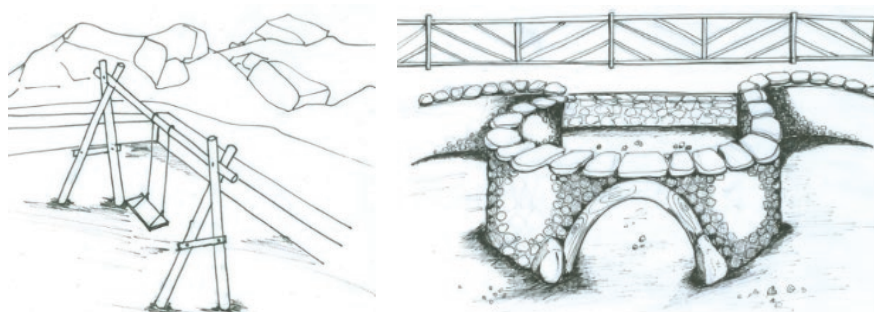


شکل ۱۰ و ۱۱. نمای کلی از زمین بازی کودک و جزئیات اجرای تاب

منبع: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی میمند



شکل ۱۲. دید کلی از زمین بازی کودک



شکل ۱۳ و ۱۴. دیدهایی از عناصر مختلف طراحی شده

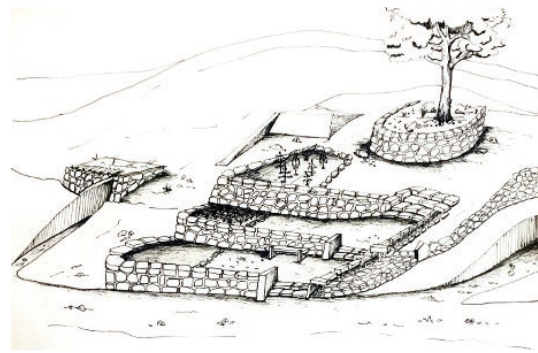
(۳) ساماندهی جداره‌ها

در طراحی و ساماندهی جداره‌های تخریب شده از مصالح بوم آورد و در دسترس استفاده شده است. در اینجا نیز نقش استادکاران و کارگران بومی را نباید نادیده گرفت. استفاده از دانش بومی روستا باعث شده است تا با اشراف به کلیه جزئیات به کارگرفته شده محلی و شناخت توپوگرافی بستر طبیعی، طراحی و اجرا، رنگ و بویی محلی داشته و مداخلات بیش از اندازه نباشند. این امر موجب حفظ سیمای بصری منظر شده است.



شکل ۱۵. وضع موجود جداره منتهی به بن میمند تیرماه ۱۳۹۱

منبع: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی میمند



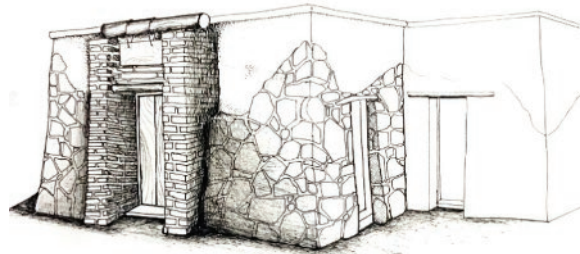
شکل ۱۶ و ۱۷. ساماندهی جداره‌ها فروردین ۱۳۹۵

(۴) سازگاری بناهای جدید ناهمگون

با توجه به مشاهدات، گفتمان‌های انجام شده و گزارشات موجود در مرکز اسناد پایگاه میمند، این آگاهی حاصل شد که ساختمان‌های ناهمگون با بافت تاریخی دو دسته بوده‌اند: بناهایی که دافع دید بوده و یا موقعیت استقرار بسیار نامناسبی داشته و توسط تیم حفاظت تخریب شده‌اند و دسته دوم که کمتر مخرب دید بوده و امکان سازگاری و بومی‌سازی را داشته‌اند. ساختمان‌های حجیم که به لحاظ شکل، رنگ، مصالح، حجم و مقیاس با بافت موجود ناهمخوان بوده‌اند، از طریق ناسازی‌های انجام شده و استفاده از خطوط نرم، خرد کردن اندازه‌های بزرگ، استفاده از مصالح بوم‌آشنا و القا بافت موجود، بومی‌سازی شده و یا در برنامه کاری پایگاه قرار دارند. از جمله بومی‌سازی‌های قابل مشاهده می‌توان به خانه بهداشت و مدرسه قدیمی که هر دو متروکه بوده و نیز سرویس و حمام عمومی روستا اشاره کرد. به نظر می‌آید بومی‌سازی‌های انجام شده توانسته‌اند هماهنگی مناسب‌تری نسبت به قبل با بافت فراهم نمایند. البته با توجه به بافت خاص موجود، نتوانسته همخوانی کاملی برقرار سازد.



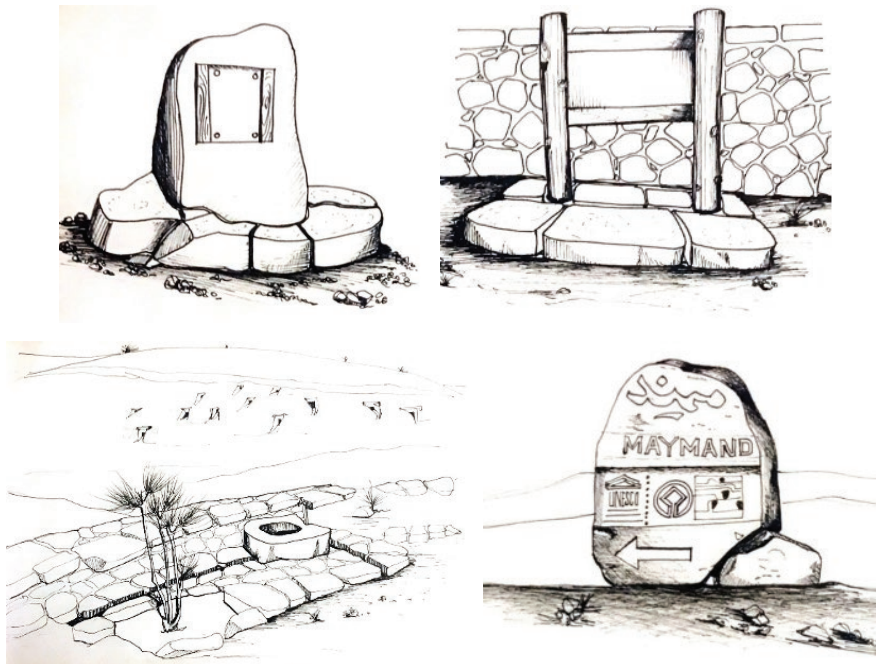
شکل ۱۸ و ۱۹. نمای ساختمان متروکه آموزش و پرورش قبل و بعد از بومی‌سازی
منبع: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی میمند



شکل ۲۰. جزئیات بومی‌سازی ساختمان آموزش و پرورش

(۵) طراحی اثاثیه روستایی: تابلوهای راهنما و آبخوری‌ها

طراحی آبخوری و لوله‌کشی در طول مسیر اصلی روستا، نیاز ساکنین را در دسترسی به آب آشامیدنی تا حدی جوابگو بوده است. اگرچه به دلیل شیب زیاد و محدودیت‌های حفاظتی امکان توزیع متناسب آبخوری‌ها در بین کیچه‌ها فراهم نبوده است. در طراحی این آبخوری‌ها از تجربه‌های انجام شده قبلی در روستا (کل آبخوری) و تراشیدن سنگ به کمک افراد محلی استفاده شده است. طراحی تابلوهای متنوع راهنما و معرفی روستا به گردشگران اگرچه تا حدی چهره روستا را تغییر داده است، ولی وجود این تابلوها می‌تواند نظم و آرامش بیشتری را برای ساکنین و اطلاع‌رسانی حداقلی را برای گردشگران فراهم کند. استفاده از سنگ یا چوب و به شکل طبیعی آن همانگونه که میمندی‌ها در ساخت عناصر مورد نیاز خود عمل می‌نموده‌اند، عامل مهمی در حفظ روح مکان بوده است.



شکل‌های ۱، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴. نمونه‌هایی از طراحی تابلوهای راهنما و آبخوری‌ها

جدول ۱. مصداق‌هایی از اصول حاکم در طراحی‌های جدید در میمند

استفاده از فرم حلزونی شکل در طراحی	استفاده از فرم‌های بی‌شکل و آزاد	استفاده از تکنیک حفر سنگ
	استفاده از تکنیک خم کردن چوب و شکل‌دهی به آن در ورودی‌ها و موارد موردنیاز	
استفاده از معماری زمین پناه در طراحی بناهای جدید		
استفاده از مصالح و دانش بومی در اجرا	استفاده از جزئیات اجرایی محل در فضاهای جدید و القا حس مکان	استفاده از دانش بومی در اجرا

یافته‌ها و تحلیل

نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته از نمونه‌های طراحی و آثار اجرا شده که حاصل برداشت‌های میدانی دقیق از نقشه‌ها و جزئیات اجرایی و حضور طولانی مدت در محل بوده‌است، نشانگر انطباق قابل قبول طرح‌های مورد مطالعه با معیارها است. در این ارتباط اصول و معیارهای کالبدی در مجموع در ۱۱ معیار خلاصه شده است. در مورد استفاده از مصالح محلی، تقریباً همه نمونه‌ها سازگاری کامل را نشان می‌دهند. بررسی و تحلیل جزئیات اجرایی متداول و بهبود عملکرد محیطی و نیز معیارهایی چون تقویت ارتباطات اجتماعی و رعایت مقیاس و تناسب، نشان‌دهنده رعایت نسبتاً بالای (حدود ۸۰ درصد) معیارها است. تبعیت از فرم سقف که در بسیاری از منابع مطالعه شده به عنوان یکی از معیارهای تعیین‌کننده مطرح شده است و نقش مهمی در سازگاری دارد، جز در یک مورد از نمونه‌های مورد بررسی در سایرین مصداق پیدا نمی‌کند. در مجموع در بین نمونه‌های بررسی شده سرویس بهداشتی، حمام و زمین بازی کودک بیشترین انطباق را با معیارها برقرار کرده‌اند.

جدول ۲. بررسی تطابق‌پذیری طراحی‌های جدید با اصول و معیارهای کالبدی فضایی در روستا

طرح‌ها	اصول و معیارهای کالبدی - فضایی در روستا										
	موقعیت مناسب استقرار	تداوم معماری محلی، الگوهای ساخت	مصالح محلی بوم آورد	تعمیر پذیر و انعطاف پذیری	رعایت مقیاس، اندازه، ارتفاع، تناسب	تبعیت از فرم سقف‌ها	نماد، نشانه و شاخص بودن	تداوم فنون و جزئیات اجرایی متداول در محل	کاربری مناسب جهت بهبود عملکرد محیطی	تقویت ارتباطات محلی و ارتباطات جدید	تقسیم‌ناهمای به بخش‌های کوچک مقیاس
سرویس و حمام	●	●	●	●	●	●	●	●	●	-	●
زمین بازی کودک	●	●	●	●	●	-	●	●	●	●	-
ساماندهی معابر	●	●	●	●	●	-	●	●	●	●	-
بومی‌سازی بناها	-	-	●	●	●	-	●	●	●	●	●
تابلوه‌های راهنما	●	●	●	●	●	-	●	●	●	●	-
طراحی آبخوری‌ها	●	●	●	●	●	-	●	●	●	●	-

معیارهای پایه

بررسی معیارهایی که در این تحقیق به عنوان معیارهای پایه از آنها یاد می‌شود، حاکی از آن است که دایره شمول این معیارها (فارغ از نوع، اندازه و کاربری طرح)، همه طراحی‌ها را دربرمی‌گیرد و در نتیجه قضاوت در خصوص انطباق‌پذیری طرح با معیارها، نتایج قابل قیاس و قابل قبول‌تری را فراهم می‌کند. حال آنکه این دسته از معیارها در درون خود یک یا چند معیار را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد و از این روی طراحی را با چالش‌هایی روبرو می‌نماید. به طور مثال خلاقیت و پرهیز از تقلید می‌تواند در برخی موارد یکپارچگی بافت را مخدوش نماید و یا به بستر طبیعی و سیمای بصری بافت آسیب بزند. یافته‌های حاصل از فراوانی طرح‌ها در پاسخ به معیارها، مشخص می‌کند که در بین طرح‌های مورد اشاره، زمین بازی کودکان با بیش از ۹۳ درصد، بیشترین مطلوبیت را داشته است. این موضوع با نظر ساکنین نیز مطابقت دارد. سرویس و حمام، ساماندهی معابر و تابلوه‌های راهنما به صورت نسبتاً برابر در رده‌های بعدی با بیش از ۸۴ درصد قرار گرفته‌اند. اصولی همچون خلاقیت، متمایز و خاص بودن، سادگی، انعطاف‌پذیری، مشارکت استادکاران محلی در ساخت و محوریت آنها در ارائه جزئیات اجرایی این طرح‌ها، همچنین تقویت ارتباطات محلی، خلق ارتباطات جدید و مفید بودن طرح‌ها در درجه اول برای اهالی روستا و نه صرفاً برای گردشگر در این امر مؤثر بوده‌اند و در عین

حال یکپارچگی و حس مکان نیز حفظ شده است. مطلوبیت بارز طرح زمین بازی با توجه به نو بودن عملکرد، خاص بودن طراحی و منحصر به فرد بودن آن که ساکنین هم به آن اشاره داشتند، ارزش جدیدی به ارزش‌های روستا افزوده است و از این بابت اهمیت دارد.

جدول ۳. بررسی تطابق‌پذیری طراحی‌های جدید با اصول و معیارهای پایه در طراحی در روستا

طرح	اصول و معیارهای پایه در روستا											
	حفظ چشم‌انداز و مورفولوژی پیرامون	یکپارچگی و سازگاری با بافت فرهنگی و طبیعی	تقویت حس مکان و احترام به شخصی و اعتبار روستا	خلاقیت مبتنی بر حس مکان	خوانا و منحصر به فرد بودن و تمایز کار جدید از قدیم	برگشت پذیر بودن الحاقات و بناهای جدید	پرهیز از تقلید و کپی برداری	سادگی و خلوص طراحی	غلبه زمینه تاریخی بر طرح جدید	انعطاف پذیری طرح	طراحی از پایین به بالا و مشارکت مردم	میانگین به درصد
سرویس و حمام	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۸۴/۰۹٪
زمین بازی کودک	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۹۳/۱٪
ساماندهی معابر	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۸۸/۶٪
بومی‌سازی بناها	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۷۵٪
تابلوه‌های راهنما	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۸۴/۹٪
طراحی آبخوری‌ها	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	●	۸۱/۱٪

بررسی معیارها و طراحی‌های انجام شده از نگاه ساکنین

نتایج مصاحبه‌های صورت گرفته با ساکنین در مورد پروژه‌ها و طراحی‌های انجام شده و در ارتباط با معیارهای حاصل از چارچوب نظری، نشان‌دهنده این نکته است که بین معیارها و طرح‌های مشخص تعریف شده، ارتباط معناداری وجود دارد و در کل برداشت مثبتی از طراحی‌های انجام شده دارند. به طوری که در مجموع ۷۵ درصد ساکنین به نوعی رضایت خود را از کمیت و کیفیت طراحی‌های صورت گرفته اعلام کرده‌اند. در این بین زمین بازی کودکان از نظر ساکنین با ۸۱ درصد تقریباً مناسب‌ترین طرح بوده و معتقدند این مجموعه کوچک دارای ظرفیتی خاص، خلاقانه و سازگار با نیازهای جدید روستا است. پس از آن سرویس‌های بهداشتی و طراحی آبخوری‌ها، تابلوه‌های راهنما و بومی‌سازی‌ها با حدود ۶۷ درصد نظر ساکنین را به خود جلب کرده است. ایجاد این کاربری‌ها در متمایز و خاص شدن، امروزی شدن و بالا رفتن ظرفیت‌های روستا تأثیر داشته است. ایشان معتقد بودند که طرح‌ها تا حدود زیادی پاسخگوی انتظارات آنها است. در مورد معیارهایی مانند بهبود دسترسی، اعتقاد ساکنین تفاوت معناداری با گذشته را به دلیل کوچک بودن روستا نشان نمی‌دهد و این موضوع را به عنوان یک اولویت مطرح نکردند. در مورد سوال انتظارات از ساخت‌های جدید، معیارهایی همچون ارتقا کمی و کیفی خدمات عمومی، کمک به بازگشت مجدد ساکنین، تنوع ساخت، افزایش اعتبار روستا نسبت به سایر روستاها، ایجاد اشتغال و زندگی راحت‌تر از پاسخ‌های مشترک بود. در پاسخ به رویاهای شان در میمند بازگرداندن حیات مجدد به روستا و احیا عظمت و اعتبار به همراه روابط اجتماعی و گرم گذشته مد نظر قرار داشت. افراد به دلیل گذشته بسیار خاطره‌انگیز روستا که به عنوان قطب مهمی در منطقه عمل می‌نموده است، موارد انجام شده برای رسیدن به عظمت گذشته و بهبود چهره و موقعیت روستا را ناکافی می‌دانند. میمند دارای ویژگی‌های معمارانه بسیار ویژه بوده به نحوی که هر نوع دخل و تصرف شرایط را از گذشته آن دور می‌کند. حتی اگر اقدامات تلاش حداکثر برای سازگاری باشد.

جدول ۴. جمع‌بندی اصول و معیارهای برگرفته از مصاحبه‌ها

مؤلفه	اصول و معیارها
کالبدی	تنوع و معاصرسازی
	سیمای بصری جذاب در روستا
	دسترسی مناسب و راحت
	کاربرد صحیح از مصالح بومی
	تداوم معماری محلی
	امکان تعمیر و نگهداری
	منحصر به فرد بودن
	خدمات عمومی مناسب و کافی
	تاسیسات زیر بنایی کارآ
	تجدید عزت و افتخار گذشته
اجتماعی - فرهنگی	بازگشت مجدد ساکنین به روستا
	احترام به سنت‌های زیست روستا
	همبستگی اجتماعی و مشارکت فعال
	احترام به ویژگی‌ها و ارزش‌های ملموس و ناملموس در روستا
	مشارکت فعال استادکاران و نیروهای محلی
	بازگشت حیات مجدد به روستا
محیط زیستی	احیا جنگل‌های بادام وحشی و بنه و قرق به موقع آنها
	وضعیت بهداشتی مناسب
	مدیریت محلی صحیح بستر طبیعی
اقتصادی	خودکفایی اقتصادی روستا
	تثبیت مالکیت افراد بومی و پرهیز از سوداگری زمین
	اشتغال فعال جوانان

جدول ۵. جمع‌بندی اصول و معیارهای طراحی در میراث روستایی

معیار	نوع
موقعیت استقرار مناسب کاربری‌های جدید	معیارهای کالبد
دسترسی مناسب و راحت	
تقویت و تسهیل دسترسی‌های محلی	
مصالح محلی بوم آورد	
نداوم فنون و جزئیات اجرایی متداول محلی	
رعایت مناسب مقیاس، اندازه، حجم، ارتفاع و تناسبات	
تعمیرپذیری ساخت‌وسازها	
تقسیم نماهای وسیع به بخش‌های کوچک مقیاس	
تنوع و معاصرسازی	
خوانا و شاخص بودن و تمایز کار جدید از قدیم	
حفظ چشم‌انداز و مورفولوژی پیرامون	
سازگاری با الگوهای معماری ویژه روستا	
خدمات عمومی کاراً	
فعالیت‌های مناسب در جهت بهبود عملکردها	
نداوم یکپارچگی بافت	
تجدید عزت و افتخار گذشته	
خلاقیت مبتنی بر حس مکان	
برگشت‌پذیر بودن الحاقات و بناهای جدید	
پرهیز از تقلید، تکرار و کپی‌برداری	
سادگی و خلوص در طراحی	
غلبه زمینه تاریخی بر طرح جدید	
انعطاف‌پذیری طرح	
احترام به شخصیت و سنت‌های زیست روستا	
ارتقا همبستگی اجتماعی و مشارکت	
حفظ نظام اجتماعی روستا	
حمایت از بازگشت مجدد ساکنین (حداقل در ایام خاص و تعطیل)	
احترام به سنت‌های زیست و ارزش‌های روستا	
توسعه ارتباطات اجتماعی	
بازگشت سرزندگی و حیات مجدد به روستا	
مشارکت فعال استادکاران و نیروهای محلی	
وضعیت بهداشتی مناسب	
مدیریت محلی و صحیح بستر طبیعی و محیط زیست روستا	
خودکفایی اقتصادی روستا	
تثبیت مالکیت افراد بومی و پرهیز از سوداگری زمین	
احیاء صنایع دستی محلی	
مشارکت فعال جوانان در امور روستا	

نتیجه‌گیری

اگرچه در ابتدا بسیاری به حساسیت‌های حفاظت‌گران خوش‌بین نیستند و ضوابط و مقررات را سخت‌گیرانه می‌پندارند اما نتایج موفق طراحی‌ها نشان می‌دهد که این فرایند نتیجه کار را تقویت می‌نماید. البته باید توجه داشت که هدف از طراحی‌های جدید در بافت‌های میراثی برای ارتقا ارزش‌های آنها و نه برای رقابت با آنها، انجام می‌شود.

بررسی‌ها روشن نمود که بر خلاف تصور موجود، کارکردن در بافت تاریخی یک محدودیت نیست بلکه فرصتی است تا بتوان در جهت انسجام بیشتر و تداوم ارزش‌های آن اقدام نمود. یک ساختمان معاصر می‌تواند یک لایه جدید و غنی را به آن بافت اضافه کند و در خلق میراث آینده مؤثر باشد. همانگونه که در مورد زمین بازی کودک در میمند چنین تصویری از طرف ساکنین وجود داشت.

طراحی در یک بافت زنده مستلزم برقراری تعادل در توجه و کاربرد دانش فنی بومی محل و در عین حال افزودن لایه‌های منطبق با نیازهای جدید زمانه است. در این صورت است که طراحی پایدار حاصل می‌شود. تنها حصول چنین شکلی از پایداری رضایت ساکنین را به دنبال خواهد داشت.

در این تحقیق معیارهای پایه و کالبدی در طراحی، تفکیک و بر اهمیت معیارهای پایه که عموماً نادیده گرفته می‌شوند، صحنه گذاشته شد. طرح‌هایی که با زمینه موجود بیگانه بوده و تنها به بخشی از ابعاد کالبدی فضایی بپردازند نهایتاً مورد اقبال ساکنین که قضاوت کنندگان اصلی هستند، نخواهند بود.

از طرفی می‌توان نتیجه گرفت که در میان معیارهای پایه تقابل و تضادهایی وجود دارد و برقراری تعادل در بین آنها از جمله چالش‌هایی است که برای یک طرح موفق لازم است. به این لحاظ معیارهای پایه را کلیدی و اثرگذار ساخته است. معیارهایی همچون سازگاری با بافت موجود، حفظ یکپارچگی به همراه تقویت حس مکان و استفاده از مصالح و دانش فنی بومی می‌تواند در موارد بسیاری در تضاد با خلاقیت، پرهیز از تقلید، خوانا بودن و تمایز کار جدید، قرارگیرند. در طراحی‌های روستای میمند مشاهده شد که طرح‌های جدید با حساسیت نسبت به این موارد حتی‌الامکان آشتی قابل‌قبولی را در این چالش ایجاد نموده‌اند و با بهره‌گیری از جزئیات اجرایی آشنا در محل، مصالح و فنون بومی و ترکیب فنون نوین با آنها، ایجاد فعالیت‌های جدید در جهت رفاه و رفع نیازهای ساکنین به نتایج نسبتاً مطلوبی دست یافته است. این فعالیت‌ها با عملکرد روستا مأنوس بوده و مقبولیت ساکنین را نیز به همراه داشته است. در مجموع با توجه به پوشش معیارهای مختلف به ویژه معیارهای پایه در طراحی‌ها به نظر می‌رسد طراحی‌های انجام شده به نسبت برای یک سایت میراثی قابل قبول است.

در پایان سخن اینکه طراحی موفق در متن یک روستای تاریخی، پوشش گسترده‌ای از معیارها همچون درک و فهم سنت‌های روستا، روح مکان، منطق و سیستم معماری محل را می‌طلبد. تا در نهایت سادگی همراه با خلاقیت مبتنی بر معاصر سازی، تعامل با ساکنین و اولویت قرار دادن نیازهای آنها، به طرح قابل قبول دست یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. IOW
2. Fritsch
3. Byard

۴. هر واحد مسکونی دست‌کند در اصطلاح محلی به کیچه معروف است.

فهرست منابع

- ابویی، رضا، و جعفری، نسیم (۱۳۹۴). نقد جایگاه بناهای میان‌افزا در محوطه‌های تاریخی از منظر اسناد بین‌المللی. مجله صفا، ۶۸، ۱۱۹-۱۳۸.
- اشرفی، مهناز، و شکرانی، مدیا (۱۳۹۷). اصول ایکوموس - IFLA درباره منظرهای روستایی به عنوان میراث، دهلی ۲۰۱۷. مجله اثر، ۸۰، ۱۴-۳.
- اشرفی، مهناز (۱۳۸۲). تجاری در حفاظت و مرمت روستای میمند، گزارش سالانه. مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میمند.
- اشرفی، مهناز (۱۳۹۳). میراث جهانی و توسعه پایدار در حفاظت میراث روستایی. مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میمند.
- اقبالی الله بلاغی، خالد (۱۳۹۴). هتل پری، بررسی موردی طراحی در معماری دست‌کند، در مجموعه مقالات اولین همایش معماری دست‌کند (۹۴-۱۰۱). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- اکرمی، غلامرضا، و دامیار، سجاد (۱۳۹۵). نقش شناخت معمار از کاربر در هویت‌بخشی به طرح‌های مسکن روستایی، بررسی موردی: معماری روستایی ایلام. نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱۶، ۸۱-۱۰۶.
- بابایی، سعید، و خاک‌زند، مهدی (۱۳۹۷). زمینه‌گرایی در آثار معماران غیرایرانی در دوره پهلوی اول مدرسه البرز و ایرانشهر. مجله مطالعات معماری ایران، ۱۴، ۱۷۱-۱۹۱.
- پرویزی، الهام، بمانیان، محمدرضا، و مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۹۵). شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت‌های با ارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی نمونه موردی بافت تاریخی عودلاجان محله امامزاده یحیی. مجله مرمت و معماری ایران، ۱۱(۶)، ۶۵-۷۶.
- پورقربان شیوا (۱۳۸۰). روستای صخره‌ای میمند. پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد مرکزی، تهران.
- خلیل یحییوی، پوران‌دخت (۱۳۵۶). بررسی مسائل انسانی، اجتماعی و اقتصادی روستای میمند. بررسی‌های تاریخی، ۱۳(۱)، ۱۷۴-۱۴۱.
- حدادی، علی، و مهدیزاده حسینی، عادل (۱۳۹۴). نقش مشارکت ساکنان روستای تاریخی میمند در پایداری معماری دست‌کند موجود، در مجموعه مقالات اولین همایش معماری دست‌کند (۲۳۷-۲۴۴). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- حسینی، اعظم، دولابی، صبا، شریفی، شهرزاد، و ترابی، محبوبه (۱۳۹۸). تبیین اصول و معیارهای طراحی مکان‌های شهری زیرسطحی پایدار، در مجموعه مقالات دومین همایش معماری دست‌کند (۱۹۴-۲۱۲). تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- روح الامینی، محمود (۱۳۷۰). صدای شنیدن چکش. مجله نامه علوم اجتماعی، ۲، ۲۳۷-۲۴۵.
- زرگر، اکبر، و حاتمی خانقاهی، توحید (۱۳۹۳). وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی. نشریه مسکن و محیط روستا، ۱۴۷، ۴۵-۶۲.
- سالم، محمددانا، حسن‌پور، فرامرز، و دژدار، امید (۱۳۹۸). گونه‌شناسی کالبدی-ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی-تکاملی (مدرسه موراتوری). مجله مسکن و محیط روستا، ۱۶۵، ۳۳-۴۸.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۴). شاخص‌های معماری مسکن روستایی در ایران. نشریه هنرهای زیبا، ۲۲، ۴۳-۵۲.
- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۹۱). رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱۲۹-۱۴۶، (۲).
- شاه‌تیموری، یلدا، و مظاہریان، حامد (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه تاریخی. نشریه هنرهای زیبا، ۱۷(۴)، ۴۰-۲۹.
- صادق احمدی، مهدی، ابویی، رضا، و ندیمی، هادی (۱۳۹۶). هفت مفهوم مؤثر در اسناد بین‌المللی حفاظت پس از منشور و نیز بر حفاظت از میراث روستایی. مجله مرمت و معماری ایران، ۱۳(۷)، ۶۱-۴۹.
- عسکری رابری، اباصلت، عباس‌زاده، شهاب، و آبرون، علی‌اصغر (۱۳۹۴). بررسی عناصر فضایی کالبدی تأثیرگذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بال، فریزی و آبدلیک). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۴(۴)، ۱۷۷-۱۹۳.
- علوی‌زاده، سیده الهام، اسلامی، سیدغلامرضا، و حبیب، فرح (۱۳۹۷). بررسی تأثیر میزان زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا

- بر تداوم حیات بافت تاریخی بازار سنتی ایرانی (نمونه موردی: حریم درجه دو بافت تاریخی بازار سنتی اردبیل). فصلنامه پژوهش‌های اسلامی، ۶(۱۸)، ۶۹-۸۵.
- قدیری، بهرام (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های فرهنگی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
 - قره‌بگلو، مینو، نژادابراهیمی، احد، و اردبیلیچی، ایلغار (۱۳۹۸). معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز. نشریه باغ نظر، ۷۶، ۵۷-۶۸.
 - قنبری، ناصر، و یگانه، منصور (۱۳۹۶). اصول طراحی بناهای فرهنگی با رویکرد زمینه‌گرایی در معماری معاصر ایران. نشریه مطالعات جغرافیا، عمران و مدیریت شهری، ۳(۱)، ۳۹-۵۷.
 - گزارش سالانه (۱۳۸۹). حفاظت میراث روستایی. مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میمند.
 - گزارش سالانه (۱۳۹۳). میراث جهانی و توسعه پایدار در حفاظت میراث روستایی. مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میمند.
 - گزارش سالانه (۱۳۹۵). حفاظت از میراث جهانی. مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی میمند.
 - نائینی، شکوفه سادات، و سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۹۸). استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت. نشریه آرمانشهر، ۲۷، ۱۱۱-۱۱۸.
 - نیک‌فطرت، مرتضی، و بیطرف، احسان (۱۳۹۵). بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری. نشریه مطالعات هنر و معماری، ۲(۵۴)، ۱۲۶-۱۳۴.
 - همایون، غلامعلی (۱۳۵۲). شناخت هرچه وسیع‌تر روستای میمند کرمان. مجله بررسی‌های تاریخی، ۵(۸)، ۲۴۵-۲۷۲.
 - Alderson, C. (2006). Responding to Context: Changing Perspectives on Appropriate Change in Historic Settings. *APT Bulletin*, 37(4), 22-33.
 - Babalis, D. (2016). *Approaching the Integrative City, the Dynamics of Urban Space*. Italy: Altralinea.
 - Baher, I. F., & Khaled, A. O. (2016). Toward a new vision to design a museum in historical places. *HBRC Journal*, 14, 66-78.
 - Boyac oğlu, D., Göçer, Ö., Karahan, E., Benli, G., & Özorhon, G. (2015). Exploring the applicability of international village design guidelines in Turkey. *Re-Cond'15 International Conference: Re-Evaluating Contemporary Designs in Historical Context* (15-26).
 - Council of Europe (2003). *CEMAT, European Rural Heritage Observation Guide*. Retrieved from <http://www.coe.int/tdgap/localdemocracy/cemat/VersionGuide/Anglais.pdf>.
 - Council of Europe (2010). Pan-European Charter for the Rural Heritage. *15th Council of Europe Conference of Ministers responsible for Spatial/Regional Planning (CEMAT)*. Retrieved from <https://rm.coe.int/15th-council-of-europe-conference-of-ministers-responsible-for-spatial/168076c73d>.
 - Davies, M. (2003). *Design in the historic environment, The Building Conservation Directory*. Retrieved from <http://www.buildingconservation.com/articles/design/design.htm>.
 - Dayaratne, R. (2018). Toward sustainable development: lessons from vernacular settlements of Sri Lanka. *Frontiers of Architectural Research*, 7(3), 334-346.
 - Eppich, R. (2014). *Cultural Heritage, Landscape and Rural Development, Good Practice, Methodology, Policy Recommendations and Guidelines for Rural Communities*. European Union. Retrieved from <http://www.historic-towns.org/wp-content/uploads/2018/09/Cultural-Heritage-Landscape-and-Rural-Development.pdf>.
 - Galway County Concl (2005). *Design Guidelines for the Single Rural House*. Retrieved from www.galway.ie.
 - Gordon, D., & Mc Kenna, R. (2008). *Designing houses creating homes, a guide for applicants on the siting and design of new houses in the Offaly countryside*. Retrieved from <https://docplayer.net/19331855-Designing-houses-creating-homes.html>.

- Harvey AILI, A. (2012). *Community-Led Village Design Statements in Ireland*. Irish Landscape Institute Conference. The Heritage Council.
- City of Greater Bendigo. (2015). *Heritage Design Guidelines*. City of Greater Bendigo. Retrived from www.bendigo.vic.gov.au/heritage.
- ICOMOS. (1975). *European Charter of the Architectural Heritage*. Retrieved from <https://www.icomos.org/en/resources/charters-and-texts/179-articles-en-francais/ressources/charters-and-standards/170-european-charter-of-the-architectural-heritage#:~:text=The%20European%20Charter%20of%20the,21%20to%2025%20October%201975>.
- ICOMOS. (1976). *Recommendation concerning the Safeguarding and Contemporary Role of Historic Areas*. Retrieved from <https://www.icomos.org/publications/93towns7o.pdf>.
- ICOMOS. (1982a). *Tlaxcala Declaration on the Revitalization of Small Settlements*. Retrieved from <http://www.icomos.org/en/charters-and-texts>.
- ICOMOS. (1982b). *The Quebec Declaration on the Preservation of the Spirit of the Place*. Retrieved from http://www.icomos.org/quebec2008/quebec_declaration.
- ICOMOS. (1987). *Charter for the Conservation of Historic Towns and Urban Areas. Adopted by ICOMOS General Assembly in Washington, DC*. Retrieved from https://www.icomos.org/charters/towns_e.pdf.
- ICOMOS. (1999). *Charter on the Built Vernacular Heritage*. Retrieved from <http://www.icomos.org>.
- ICOMOS. (2010). *New Zealand Charter for the Conservation of Places of Cultural Heritage Value*. Retrieved from https://www.icomos.org/images/DOCUMENTS/Charters/ICOMOS_NZ_Charter_2010_FINAL_11_Oct_2010.pdf.
- ICOMOS. (2005). *Xian Declaration on the Conservation of the Setting of Heritage Structures, Sites*. Retrieved from <http://www.icomos.org>.
- ICOMOS. (2011). *The Valletta Principles for the Safeguarding and Management of Historic Cities, Towns and Urban Areas*. Retrieved from https://www.icomos.org/Paris2011/GA2011_CIVVIH_text_EN_FR_final_20120110.pdf.
- ICOMOS. (2013). *Burra Charter: The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. Australia ICOMOS.
- Krakow Charter (2000). *Principles for Conservation and Restoration of Built Heritage*. Retrieved from <http://smartheritage.com/wp-content/uploads/2015/03/KRAKOV-CHARTER-2000.pdf>.
- Macdonald, S. (2011). *Contemporary architecture in the historic environments*. Retrieved from https://www.getty.edu/conservation/publications_resources/newsletters/26_2/contemporary.
- NSW government. (2019). *Better placed design guide for heritage, implementing the Better Placed policy for heritage buildings, sites, and precincts*. Heritage Council NSW.
- Payne, D. (2013). *Charlston contradictions :A case study of historic preservation theories and policies*. Retrived from https://tigerprints.clemson.edu/all_dissertations/1140.
- Schepers, N. (2009). *Design Guidelines for Rural Villages*. Retrieved from <https://documents.ottawa.ca/sites/documents/files/documents/cap128008.pdf>.
- Sotoudeh, H. (2014). *Aesthetic fitness of new architectural design in urban historical context in the city of Shiraz*. Doctoral Dissertation, University Technology of Malaysia.
- UNESCO. (2012). *The cultural landscape of Maymand for inscription on the world heritage list*.

Iranian Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism Organization (ICHHTO).

- Wijesuriya, G. (2015). *The Living Heritage Approach*. Retrieved from https://www.iccrom.org/wp-content/uploads/PCA_Annexe-1.pdf
- WHC (2015). *The Cultural Landscape of Maymand (Islamic Republic of Iran), No 1423rev*. Retrieved from <https://whc.unesco.org/document/152640>.
- Zhang, Y., & Dong, W. (2019). Determining Minimum Intervention in the Preservation of Heritage Buildings. *International Journal of Architectural Heritage*, 15(5), 698-712.

Architectural Design in Rural Heritage Site Case Study: Designs of Historical Village of Maymand

Mahnaz Ashrafi

Assistant Professor, Research Center for Historical-Cultural Buildings and Fabrics, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran

Abstract

The challenge between the old and new has always been a matter of discussion. This gap has been widened with the modernism movement and the new language of architecture. This issue manifests itself more acutely in new designs in historical contexts. On one hand, conservation rules and regulations, and on the other hand, the negligence and inconsistency of new projects in the field of heritage are the subjects of serious controversy. The use of the language of contemporary architecture in understanding the traditional style of life and construction, identification and adequate perception of the local architectural system of the site and the spirit of the place can result in a design that is compatible with the heritage of the place. Meanwhile, planning a new design in a rural heritage site is a difficult task due to its special features and the complex socio-cultural, economic, and natural relations, and that is why in practice there are fewer successful examples. Analysis of the effective factors in the design of rural heritage architecture presents a perspective for designers. The new design can play a significant role in preserving, encouraging, improving, or enhancing the values of built heritage in attracting the public attention and providing amenities for its owners and even neighbors. The purpose of this article is to study and develop effective principles and criteria in the design of new buildings and architectural elements in rural heritage sites, in order to achieve multiple criteria and principles and the key relations in the design of buildings and new elements in a rural context. The research method of this study is qualitative. Studying and analyzing the international documents, which are part of the achievements of valuable experiences in design in heritage contexts and their related challenges, will assist in developing these principles. Also, by examining various approaches and theories in this field the question of how to appropriately deal with rural heritage in order to protect its values, can be answered according to different approaches of architectural design. In the next step, the research examines and analyzes the designs that have been done in the historical village of Maymand (case study) and tries to check the compatibility of the designs with the principles that have been developed in the first part of the research. In addition, the validity of the research and the verification of the data will be assessed in this way. The results show that the principles and rules of conservation in a historical context cannot be considered as a limitation, but could be interpreted as an opportunity to create a lasting heritage in the future. These criteria help to enrich the new design and create identity. The designs made in the village of Maymand, which has proved its success due to several years of operation and the acceptance of the residents, showed good adaptability to the principles and components obtained from the theoretical foundations of the research. Finally, it was found that beyond the physical criteria, the basic factors are the ones that play a decisive role in the success of a design in rural heritage.

Keywords: Architectural design, rural heritage site, basic criteria, physical criteria, Maymand